

مرا ازین خطم در کرایست در دوزخ کمره را در وی انار زنده بشکری که <sup>سوزن</sup> **قَدْ اَلَّتِي تَطْلُعُ عَلَيَّ الْاَفْيِدِيَّةِ** از حلاوتش خدای تعالی است که بر او رخنه شده است  
که غم و غضب آن کش بر شود بر سر و بر دلها **اِنَّمَا عَلَيَّهِ مَوْصَلَةٌ** بد رحمتی  
آن آتش دوزخ برین دوزخیان در بسته باشد همیشه که مرکز او می خلاص نیاید نه خود  
با بعد من ذلک **فِي عَمَلِهِ مَدْحٌ** ای تم کانیون فی عده و دواعی باشند این دو چیز  
بر در ایامی بزرگ کشیده شن معنی در ایام آتش باشد و در کوه های ایشان بجزیران  
قول این عباس است **عَمِي اَبَد عَمَّا وَقَوْلٌ دِيكُوْرِي** دوزخ را از پس نندیده است و نماند  
ایشین راستوار کشندش تا ایشان نوسید شوند از بیرون آمدن نصیب تو اینست که از بند  
کش مسلمانان و بجز کوه ایشان در عین تو بکنی و از کرد کردن مال و زکات تا و ادنی تو  
کنی و زبانه بدهت قولان و ذکر و شکر شغول داری تا باشد کوازی غدا ب دوزخ طلا  
یا ای انشاء الله تعالی **بِسْمِ**  
**اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ تَوَلَّیْتُ مَجْرَمَ کَیْفَ تَعَلَّیْتُکَ بِاِحْبَابِ الْفِیْلِ** چگونه کردی تو  
یا ای پیل یعنی در ایستنی که چگونه پلک کرد آن لشکر را ایشان پیل بود و بقول امام عباس  
یک پیل بود و بقول حکام مشت پیل بود و پیل بزرگتر نام محمد <sup>آن</sup> از برای احباب پیل کشاند  
و اضافه است یکی کرده اند بلکه کردن این لشکر در آن سال بود که رسول صلی الله علیه و آله

از او در پیجو و آمد و قیل شد بود در بیت سال و قیل بیست ساله قیل شد پیل  
سال **اَللّٰهُمَّ کَیْفَ تَعَلَّیْتُکَ** فی تضلیل انکره شکا لشکر ایشان را پس کوازی را  
و باطل کرد و مکر ایشان آن بود که خانه کعبه را خراب کند ایشان را خدای تعالی طرب  
و **اَللّٰهُمَّ عَلَیْهِمْ طِمْرٌ** دوستی برایشان حق تعالی مرغان کوازی را پیل که نیندک کرد قیل  
مرغان را ایشان همچون سر مرغ بود و کف همچون سگ سینه و قیل بود سینه پیل بود  
**تَمِیْمٌ** صحیح از من بجهیل می انداختند مرغان بران لشکر سگهای پخته شده باش  
معنی شست و قیل من بجهیل معنی اما همان اول **فَجَعَلَهُمْ لَعْنَتِیْ مَا کَانَ لَکُمْ** کرد  
حق تعالی آن لشکر را همچون برک گشت خورده شده یعنی حاضر و دشمن همچون برک گشت کرد  
ستوران خورند و بجزند و در زیر پای ایشان ناچیز شوند بسبب نهال این خورده آن بود که  
نقاشی که پادشاه ترسایان بود و در وضعی بمن کلیسا ساخته بود یعنی سنجی ترسایان  
ساخت که مثل آن گسی زنده بود و فرمود که مردم بخانه کعبه نروند و بان خانه من شام  
برند و چو گزارند و شبی آتش افروزان خانه ترسایان را بسوزند و بر آن گشتند که گشت  
ترا درم عرب سوزند اندر ز قهر خانه کعبه آن کافر سوزند خرد که خانه کعبه را و بمانی گنمکی  
ان امرای خود را که بر نه نام بود و به لشکر سینه روستا و ایشان پیل بود و خود و نامش  
روشکر او را سوزند بر لایت عرب رسیدند و بکنند عیب ایشان جنگ کردن